پاسخ امام(علیه‌السلام) به طبیب مادیگرا در رساله اهلیلجه

شاگرد۲: اینکه وقتی گوسفند، گرگ را می‌بیند، فرار می‌کند، اما وقتی گاو را ببیند، فرار نمی‌کند، این، درک معنا نیست؟

استاد: در اینجا چیزهای خیلی عجیبی هست. چرا گوسفند می‌گویید؟! بزغاله‌ای که تازه از شکم مادر آمده، روی زمین می‌افتد، اما وقتی کمی راه بیفتد، اگر شتر ببیند، از او واهمه ندارد. اما همین بزغاله، اگر گرگ ببیند، می‌بیند در همین غریزه الهی او، از گرگ واهمه دارد. سبحان الله العظیم! امام علیه‌السلام در رساله اهلیلجه به طبیب هندی که قائل به اصالة الحس بود، مطالب خیلی ناب فرمودند. خیلی رساله عالی‌ای است. آن طبیب می‌گفت من تا چیزی را نبینم قبول ندارم؛ هر چیزی هست، می‌بینیم و هر چه را هم می‌بینیم، هست. خدا را که نمی‌بینیم، نیست و هرچه را هم که نمی‌بینیم، نیست؛ این، مبنای آن طبیب بود. امام علیه‌السلام در آن نامه‌ای که - طبق این نقل - برای مفضل نوشتند، توضیح می‌دهند که من به چه صورت با او بحث کردم. آن طبیب مشغول طب و هلیله بود؛ حضرت دست کردند آن هلیله را برداشتند و شروع به صحبت کردند. خیلی رساله عالی‌ای است. بعد امام علیه‌السلام فرمودند ببین بچه از شکم مادر به دنیا می‌آید، اگر هر چه می‌بینید اصل است، بچه از کجا خبر دارد که مادری هست و سینه‌ای دارد و شیری هست و او باید بخورد؟! اما وقتی به دنیا می‌آید به‌دنبال سینه مادر می‌گردد.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اکتبر 2024 13:20:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اکتبر 2024 13:43:44 توسط ... .